

درس پانزدهم

دریا




هر کجا چشم می رود، آب است
از افق تا افق، همه دریاست
آب، آینه‌ای است پهناور
صورت آسمان، در آن پیدا است

خنده‌ی گرم و روشن خورشید
بر تن سرد آب می ریزد
موج از پشت موج می آید
موج در پیش موج می خیزد

می کشد آب، دامنش را نرم
بر تن پاک ماسه های کبود
می برد لذت از نوازش آب
ساحل بی خیال خواب آلود

می شوم شاد و می زخم غوطه
مثل ماهی، میان آب زلال
آسمان دل گشا و دریا رام
زندگی مهربان و من خوش حال

محمود کیانوش 

صندلی صمیمیت



در درس‌های قبل، شیوه‌ی سخن گفتن را آموختی. حالا وقتی بخواهی درباره‌ی موضوعی صحبت کنی، می‌دانی که باید آن را محدود کنی و در زمانی کوتاه، به‌طور صحیح سخن بگویی. اکنون به صحبت‌های دوستانت گوش کن و درباره‌ی آن‌ها داوری کن. یادت باشد، برای داوری کردن به سه چیز توجه کنی:

- الف) یک بخش از موضوع کلی انتخاب شود و فقط درباره‌ی آن صحبت شود.
- ب) مطالب به‌صورت منظم، یکی پس از دیگری دنبال هم بیایند و با هم ارتباط داشته باشند.
- ج) زمان سخن گفتن طولانی نباشد.

پیاموز و بگو



به این قسمت از شعر، توجه کن.

«آب آینه‌ای است پهناور»، یعنی آب مثل آینه است.

شاعر برای زیبایی شعر خود، از شباهت آب و آینه استفاده کرده است.

تو می‌توانی نمونه‌ی دیگری بگویی؟



گوش کن و بگو



به داستان گوش کن و آن را برای دوستانت تعریف کن.

از این داستان، چه درسی گرفتی؟

درست و نادرست

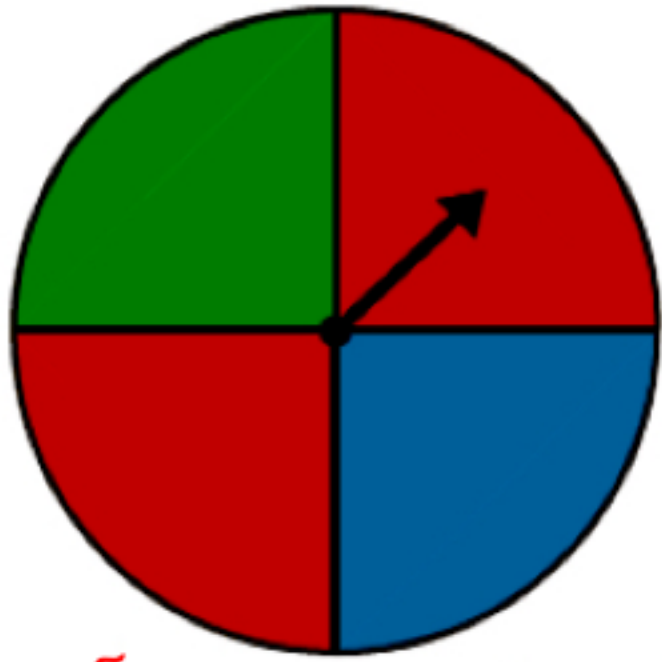
- ۱ نور خورشید باعث شوری آب دریا می‌شود.
- ۲ موج‌ها به آرامی ماسه‌های ساحل را می‌شویند.

درک مطلب

- ۱ شاعر دریا را مثل «آینه‌ی آسمان» دیده است. تو دریا را مثل چه می‌بینی؟
- ۲ هنگام شنا کردن در دریا، چه نکاتی را رعایت می‌کنی؟
- ۳

واژه‌آموزی

- به جمله‌های زیر توجه کن.
- من زبان دارم؛ امّا قفل زبانه دارد.
 - من چشم دارم؛ امّا کوه چشمه دارد.
 - من گوش دارم؛ امّا کلاس گوشه دارد.
- حالا تو بگو:
- من دندان دارم؛ امّا شانه
 - من دهان دارم؛ امّا غار
 - من پا دارم، امّا میز
 - من دست دارم؛ امّا صندلی



۱- چرخنده‌ی روبه‌رو را می‌چرخانیم تا عقربه‌ی آن روی یک رنگ بایستد؛ رنگ را یادداشت می‌کنیم.

سه حالت ممکن است اتفاق بیفتد چون سه رنگ روی چرخنده داریم. قرمز - سبز - آبی
چند حالت ممکن است برای ایستادن عقربه روی یک رنگ اتفاق بیفتد؟
شانس کدام رنگ بیشتر است؟ چرا؟

قرمز چون مقداری بیشتری از چرخنده به رنگ قرمز، رنگ آمیزی شده است.

این آزمایش را ۱۰ بار انجام دهید و جدول زیر را کامل کنید.

| | | | | | | | | | | |
|--------|---|---|---|---|---|---|---|---|---|----|
| آزمایش | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ |
| رنگ | س | آ | ق | ق | ق | س | س | آ | آ | ق |

چه کسری از آزمایش‌های شما رنگ قرمز است؟ $\frac{۴}{۱۰}$ چه کسری آبی؟ $\frac{۳}{۱۰}$ چه کسری سبز؟ $\frac{۳}{۱۰}$

۲- یک تاس را می‌اندازیم. چند حالت ممکن است اتفاق بیفتد؟ چرا؟

شش حالت. چون روی تاس از ۱ تا ۶ عدد داریم.

۳- یک سکه را بالا می‌اندازیم. چند حالت برای آن اتفاق می‌افتد؟

دو حالت. چون سکه دو حالت پشت و رو دارد.



خلاق باش

استوانه‌های زیر با مقواهای هم اندازه ساخته شده‌اند.

توضیح دهید چگونه این اتفاق افتاده است.



کار در کلاس

۱- یک تاس را بیست بار بیندازید و هر بار عددی را که می‌آید در جدول زیر یادداشت کنید.

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ |
| ۵ | ۱ | ۴ | ۱ | ۲ | ۶ | ۳ | ۴ | ۶ | ۴ | ۶ | ۲ | ۴ | ۲ | ۳ | ۱ | ۵ | ۶ | ۴ | ۶ |

در مقابل هر عدد، یک کسر بنویسید که نشان دهد از 20° آزمایش چند مرتبه آن عدد آمده است. برای مثال اگر از 20° آزمایش ۴ بار عدد یک آمده است در مقابل عدد یک، کسر $\frac{4}{20}$ را بنویسید.

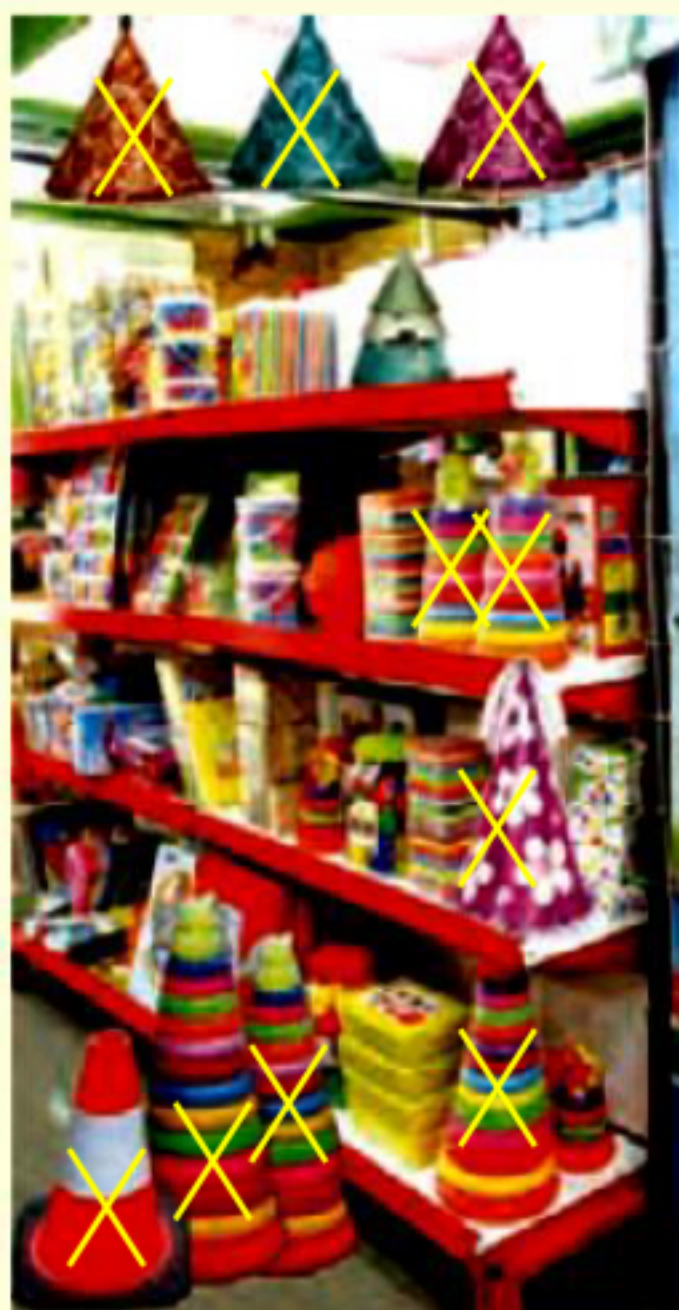
عدد: $\frac{5}{6}$ عدد: $\frac{2}{5}$ عدد: $\frac{5}{4}$
 عدد: $\frac{2}{3}$ عدد: $\frac{3}{20}$ عدد: $\frac{3}{20}$

۲- در یک کیسه دو گوی آبی و قرمز بگذارید. هر بار بدون نگاه کردن، یک گوی را در آورید، رنگش را یادداشت کنید و دوباره آن را داخل کیسه بگذارید. این آزمایش را ده بار انجام دهید و جدول را کامل کنید.

| | | | | | | | | | | |
|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|--------|
| ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | آزمایش |
| آ | ق | ق | آ | آ | آ | ق | آ | ق | ق | رنگ |

چه کسری از گوی‌های داخل کیسه قرمز است؟ $\frac{1}{2}$
 چه کسری از آزمایش‌ها به رنگ قرمز است؟ $\frac{5}{10}$

چه کسری از گوی‌های داخل کیسه آبی است؟ $\frac{1}{2}$
 چه کسری از آزمایش‌ها به رنگ آبی است؟ $\frac{5}{10}$



بگرد و پیدا کن

به شکل‌های زیر مخروط می‌گویند.



در تصویر روبه‌رو شکل‌های مخروطی را با X مشخص کنید.

فکر می‌کنم

ما به داشتن چنین پیشوایانی افتخار می‌کنیم؛ زیرا

پندیشیم

امام سجّاد علیه‌السلام می‌فرماید:

«خدایا، کمک کن تا به مردم خدمت کنم.»

صحیفه‌ی سجّادیه، دعای مکارم‌الاخلاق

من هم دوست دارم مانند امام سجّاد علیه‌السلام به دیگران خدمت کنم.
مثلاً می‌توانم در مسافرت‌ها و اردوها ...

-
-
-
-

گفت‌وگو کنیم

بهتر است کمک کردن به دیگران چگونه باشد؟

ببین و بگو

هر تصویر به کدام یک از ویژگی‌های
امام سجّاد علیه‌السلام اشاره می‌کند؟



بگرد و پیدا کن

چهارمین

معروف به سجّاد یعنی بسیار

فرزند امام

امام سجّاد
علیه‌السلام

معروف به
یعنی زینت عبادت‌کنندگان

آرامگاه او در قبرستانِ

کامل کنید

پاسخ سؤالات را در جدول پیدا کنید و خانه‌های آن را رنگ بزنید.
چه می‌بینید؟

۱- نام امام سجّاد علیه‌السلام بن الحسین است.

۲- نام پدر امام سجّاد علیه‌السلام: امام

۳- نام کتابی که دعاهای امام سجّاد علیه‌السلام در آن جمع‌آوری
شده است: صحیفه‌ی

۴- حرم حضرت عبدالعظیم حسنی در این شهر قرار دارد: شهرِ



با خانواده

با کمک اعضای خانواده، حدیثی کوتاه از امام سجّاد علیه‌السلام پیدا کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

امام با مهربانی به جمعیت نگاه کرد و گفت: «من خودم تصمیم گرفتم با شما که مرا نمی‌شناسید، همسفر شوم؛ چون کسانی که مرا می‌شناسند، اجازه نمی‌دهند برایشان خدمتی انجام دهم، برای همین خود را معرّفی نکردم تا بتوانم به همه کمک کنم». اهل کاروان با چهره‌ای شرمگین به امام نگاه می‌کردند. آن‌ها بیشتر از گذشته امام سجّاد علیه‌السلام را دوست داشتند.

بدانیم

امام سجّاد علیه‌السلام، فرزند امام حسین علیه‌السلام و چهارمین امام و پیشوای ما مسلمانان است. او با یتیمان مهربان بود و در تاریکی شب برای فقیران غذا می‌برد. بسیار سجده و عبادت می‌کرد و به همین دلیل به «سجّاد»^۱ و «زین‌العابدین»^۲ معروف شده است. قرآن را با صدای دلنشینی می‌خواند. ایشان دعاهای زیادی نیز به یاران خود آموخت. مجموعه‌ای از این دعاهای زیبا در کتابی به نام «صحیفه‌ی سجّادیه» جمع‌آوری شده است. امام سجّاد علیه‌السلام به همراه پدر در کربلا حضور داشت. او در آن زمان به دلیل بیماری نتوانست در جنگ شرکت کند؛ اما تا آخر عمر با ظالمان مبارزه کرد و سرانجام به دست ستمگران به شهادت رسید. آرامگاه ایشان در شهر مدینه و در قبرستان بقیع قرار دارد.

۱- «سجّاد» یعنی بسیار سجده‌کننده.
۲- «زین‌العابدین» یعنی زینت عبادت‌کنندگان.



کاروان برای زیارت خانه‌ی خدا به راه افتاد.
بین راه چند روزی در مدینه استراحت کردند.
هنگام حرکت به سوی مکه، مرد ناشناسی به آن‌ها پیوست.

با اینکه کسی او را نمی‌شناخت، ولی او
به آن‌ها محبت می‌کرد. همیشه به یاد
خدا بود و با چهره‌ای خندان و با نشاط
به همه‌ی افراد کاروان کمک می‌کرد.
با کودکان بازی می‌کرد، به تشنگان کاروان
آب می‌رساند، به پیرمردان کمک می‌کرد
تا بر اسب‌ها و شترها سوار شوند و....



مسافری در میانه‌ی راه به کاروان پیوست. او در نگاه اوّل، مرد ناشناس را شناخت. با کمال تعجّب پرسید: «این مرد را که کارهای شما را انجام می‌دهد، می‌شناسید؟»

- «نه! او را نمی‌شناسیم. مردی مؤمن و نیکوکار است. ما از او تقاضا نکرده‌ایم تا کاری انجام دهد، ولی خودش دوست دارد در کارها به دیگران کمک کند.»

مرد مسافر ادامه داد: «اگر او را می‌شناختید، حاضر نمی‌شدید او برای شما این کارها را انجام دهد.»

- «مگر او کیست؟»

مسافر گفت: «او علی بن الحسین، امام سجّاد است.»

اهل کاروان تا این جمله را شنیدند، با ناراحتی به سوی امام دویدند و گفتند:

«ببخشید شما را نشناختیم. چرا خود را معرّفی نکردید؟! ممکن بود به شما بی‌احترامی کنیم! اشتباه ما را ببخشید.»

